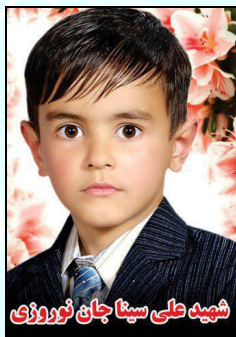


بیاد « سینا » طفل خردسال

که قربانی تازه جنایت و اختطاف درهرات گردید



توان گفت که این گله گرگان بشراند

گرچه از آدمیان جامه ای رنگین به براند

چند سالیست که در مملکت بی سرما

هر کجا، حمله کنند، بره انسان به برند

گرچه در شهر هرات است کنون ماتم و غم

لیک گرگان، همه جابر همگان حمله و راند

در هرات غرقه به خون است کنون بره ناز

همه جانلت مادر غم و خون غوطه و راند

(1) «کوسفندی برد این گرگ مزور همه روز

کوسفندان دیگر خیره در اومی نگرند

در همه ملک رها گله گرگان مهیل

مال و جان همه انبای وطن در خطر اند

وقت است که مردم همه بیدار شوند

تابکی غافل و خواب اند؟ چرابی خبر اند؟

اشتران را عجب است! اینکه بان قوت و زور

اشک ریزند و روان، از پی قاطر و خر اند

این رمه لایق چوپانی مردان امین

نه بانها که به گرگان و دودان هم نظر اند

سالمها است که بر ضد ستم داد کشیم

حسرت است که حکام همه کور و کر اند

تسلیت باد بنامیل تو «سینای» «عزیز»

و به آنها که از این داغ تو خونین جگر اند

و چه زیبا سخنانیت ز آن شیخ اجل

بهتر از منصب و سرمایه و در گهر اند

"سعیدیا مرد نگو نام نمیرد هرگز"

"مرده است که نامش به نگوئی نبرند (2)"

پایان

یاد داشت : مصراعهای دارای شماره های 1- و 2 از شیخ اجل و عارف و فقیه بزرگ حضرت سعدی علیه
الرحمه به عاریت گرفته شده است

محمد عزیز (عزیز)

جمعه : ساعت 22:20

سیزدهم دلو سال 1391 هجری شمسی

مطابق به : بیستم ربیع الاول سال 1434 هجری قمری

01-02-2013 و یا برابر به : میلادی